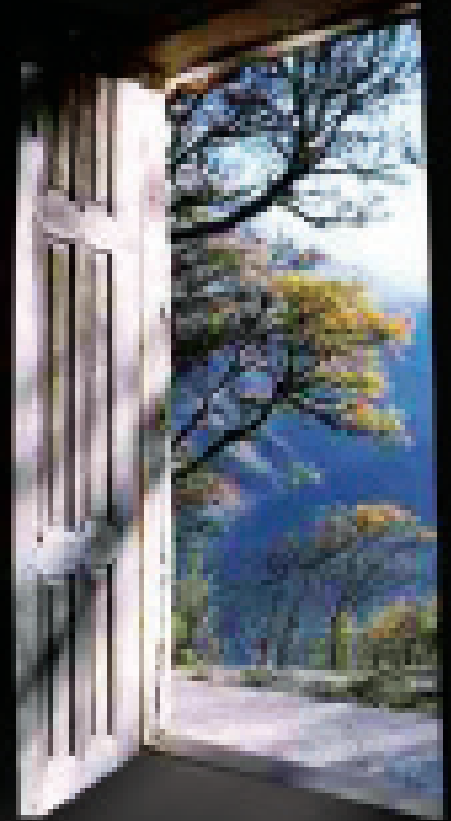


یادمان باشد

دلمان

از جنس نور است



«خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (بقره/ ۷)
 خداوند مُهر نهاده بر قلب‌های آن‌ها؛ و بر گوش‌ها و چشم‌های آن‌ها پرده و حجابی است.
 همانا این عذابی بزرگ است.

مهم و اساسی در علم اخلاق است. در یک کلام می‌توان گفت، به‌غیر از فرمان دین و قرآن کریم، در صورتی امری رذیلت و فعلی غیراخلاقی شمرده می‌شود که انسان را از مسیر انسانیت دور نموده، مانع رسیدن وی به کمال لایق نوعی‌اش باشد؛ یکی از رذائل مهم نفسانی که موجبات ارتکاب رذائل دیگر را فراهم می‌کند بی‌مبالا بودن در افعال است که اغلب بر اثر هم‌نشینی با انسان پست ایجاد می‌شود. هم‌صحبت و هم‌صحبت شدن با کسی که از افعال قبیح و نازیبا فاصله نگرفته، سودجویی و حرص به دنیا و مافیها درونش موج می‌زند و مقید به آداب و رسوم دینی و اخلاقی نیست... درون انسان را تاریک می‌کند. دیدارهایی که شایسته مقام انسانیت نیست، سخن‌های بی‌اصولی که نباید ردوبدل شود... همه و همه عواملی است که از آن مقام ربانی و روح‌القدس انسان می‌کاهد؛ همین که چشم انسان بر یک فعل قبیح بیفتد، همین که در یک محیط و زیر سققی قرار بگیرد که با یک انسان هواخواه هم‌نشین شود، به‌یقین مقدمه‌ای برای ایجاد ظلمت و تاریکی در دل او خواهد شد. معظم‌له می‌فرماید: ممکن است بگویید که من در محیط منفی قرار می‌گیرم، فلان صحنه را هم می‌بینم، فلان صوت را هم

ظاهر آیه این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که اگر خداوند بر قلب‌ها، گوش‌ها و چشم‌های برخی انسان‌ها مُهر بنهد، آیا جبری از سوی حق بر بندگان نخواهد بود؟ برای پاسخ به این سؤال چند نکته باید مورد بررسی قرار بگیرد که در شماره قبل، درخصوص علت تاریکی دل از گذر والدین و محیط مطالبی ارائه شد و گفتیم که قلب انسان در آغازین شفاف و منور به نور الهی است؛ اما به محض شکل‌گیری جنین در بطن مادر، عواملی چون حالات والدین، اضطراب‌ها یا روحانیت‌های مادر و عوامل فراوان دیگر اندک‌اندک بر آن مؤثر می‌شود. اما علاوه بر تأثیر والدین و عوامل محیطی، عامل دیگری که موجبات تاریکی قلب انسان را فراهم می‌کند، خود انسان است که گاهی با میل و اراده مرتکب رذائل و زشتی‌ها می‌شود و همین عامل موجب می‌شود دریچه قلب انسان به روی حقائق بسته شده و قدرت تمییز و تشخیص حق و باطل از او سلب شود. این همان «خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ» است؛ همان مُهری است که به بیان قرآن کریم بر قلب انسان نواخته می‌شود که حاصل عمل خود اوست. لذا شناخت رذائل و دوری از آن‌ها بسیار حائز اهمیت است و یکی از مسائل

«خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ» قرار می‌گیریم و قلب محجوب و مَهر شده دیگر حق را از باطل تمییز نخواهد داد! در برابر گروهی هستند که با مراقبه و دوری از رذائل، شایسته‌ی عنایت حق شده و خداوند ایمان را در دل‌هایشان ثابت و مستقر کرده و تأییدشان نموده است. «أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ»^۱

خوب است بدانیم استجاب‌های دعا، استشفایا به آیات قرآن کریم و آثار امامان معصوم (علیهم‌السلام) نیز پس از مراقبه و پاک شدن از همین تاریکی‌هاست. چنان‌که در حالات شخصیت‌هایی که مسیرشان را عاشقانه طی نموده و ایمان در قلوبشان مستقر شده می‌بینیم که جلوه‌ی ایمانشان چگونه موجب شفای جسم و جان‌شان شده است. محدث قمی می‌نویسد: سیدنعمت... جزائری چون در اوایل تحصیل قادر بر تهیه‌ی چراغ برای مطالعه نبود از نور مهتاب استفاده می‌کرد و بر اثر کثرت مطالعه و نوشتن، چشمش ضعیف و کم‌نور شد. ایشان تربت سیدالشهداء (ع) را به چشم خود کشیده و از برکت آن تربت روشنی دیده‌اش افزون گشت.^۲

امیدواریم ما و شما هم که در مسیر علم و کمال حرکت می‌کنیم، مورد تأیید حق و عنایت مولانا حجت‌بن الحسن (عج) قرار گیریم و الا همان طفل ابجدخوان این مکتب هستیم و بس...

۱. مجادله (۵۸)/۲۲.

۲. رضا مختاری، سیمای فرزندگان، ص ۱۶۳.

برگرفته از آثار استاد علامه سیدعلی موسوی

می‌شنوم، اما اراده‌ام آنقدر قوی و محکم است که هیچ عاملی نمی‌تواند مرا متأثر کند! ولی بدان که این خیالی است باطل؛ زیرا سیستم عصبی تو به‌گونه‌ای تنظیم شده که در یک هزارم ثانیه پیام عصبی آنچه را که دیده یا شنیده‌ای به تک‌تک ذرات بدن تو منتشر می‌کند، اندکاندک سلول‌های تو از آن تغذیه می‌شوند و نورون‌های مغزی تو را به خود مشغول می‌کنند. پس این درست نیست که انسان بگوید من هر چه را بخواهم می‌بینم و می‌شنوم؛ اما اراده می‌کنم و از آن تأثیر نمی‌پذیرم.

این است که اولیاء... اگر چشمشان به یک پدیده باطل بیفتد - آن‌هم نه از روی عمد و اختیار - فوراً توبه می‌کنند تا اثر این غفلت از آن‌ها زوده شود. در حالات یکی از بزرگان است که وقتی فرد ظالمی به دیدار او آمده، او به نماز مشغول می‌شود و سر از سجده بر نمی‌دارد تا زمان ملاقات طی شود. یقیناً این بزرگان کاری بیهوده انجام نمی‌دهند بلکه چون مصداق نور در نور هستند، آشکارا ورود ظلمت و ناراستی را در حریم خود مشاهده می‌کنند؛ می‌بینند و می‌فهمند که این امر چگونه موجب ظلمت و تاریکی قلبشان می‌شود. آری، وقتی اولین غبار بر قلبمان بنشیند و با خود بگوییم «چاره نیست دنیااست باید طمی‌اش کرد»، همان غبار اول موجب کدورت دوم و تاریکی سوم می‌شود؛ نتیجه این‌که مصداق آیه

آنگاه که برکت تربت سیدالشهداء (ع) موجب روشنی دیده می‌شود...